

تحلیل مردم‌شناختی پوشاک عشایر استان فارس (مطالعه موردی: قشقای‌های فیروزآباد)

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۹/۲۳

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۰۵

کد مقاله: ۹۷۱۳۴

وحید رشیدوش^۱، جواد زحمتکش*^۲

چکیده

پوشاک به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم فرهنگی نشان‌دهنده هویت هر جامعه‌ای است. مطالعه مؤلفه‌های پوشاک عشایر قشقای به‌عنوان نمادی از ساختار و پایدار اجتماعی موردپژوهش حاضر است. این مقاله در چارچوب نظریه ساختار کارکردی رادکلیف براون باهدف تحلیل مردم‌شناختی اعتقادات و مؤلفه‌های فرهنگی پوشاک عشایر قشقای فیروزآباد استان فارس پرداخته است. روش کار در این پژوهش مطالعه عمیق و ژرفانگر بوده که از مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای، حضور در میدان تحقیق و مشاهده مستقیم همراه با مشارکت و مصاحبه استفاده شده است. با توجه به تحلیل کیفی داده‌ها، پوشاک عشایر قشقای دارای کارکردی نمادین، اعتقادی، فرهنگی، اجتماعی و هویتی می‌باشد آن‌چنان‌که عشایر را به ساختاری پایدار تبدیل کرده است که در طی سالیان، فرم و کارکرد اجتماعی قوم حتی باوجود معدود شدن تعداد عشایر کوچنده در میان آن‌ها هنوز هم باقی‌مانده و از اصالتی خاص همواره برخوردار است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

واژگان کلیدی: مردم‌شناسی، مؤلفه‌های فرهنگی، پوشاک، عشایر قشقای

۱- عضو هیات علمی دپارتمان مردم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی؛ Vah.rashidvash@iauctb.ac.ir

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد مردم‌شناسی دانشگاه یزد؛ (مسئول مکاتبات)؛ Javadzahmatkesh@stu.yazd.ac.ir

۱- مقدمه و بیان مسئله

ایران، سرزمین ایل‌ها و عشایر است. ایلات و عشایر ساکن در ایران با برخورداری از شیوه‌ی کوچ‌نشینی و اقتصاد شبانی، ساختار اجتماعی- فرهنگی منحصر به فرد و جالب توجهی را دارا می‌باشند، اما با توجه به تغییراتی که در مهر و موم‌های اخیر در زندگی اجتماعی فرهنگی مردمان این مرزوبوم پدید آمده است، ایلات و عشایر نیز با سرعتی که در طول تاریخ کمتر با آن روبرو بوده‌اند در تغییر و تحول‌اند. (شربتیان، ۱۳۹۵: ۹) اگر گذشته‌ی عشایر ایران مورد مطالعه قرار گیرد بدون شک این مطالعه را باید از منطقه‌ی فارس آغاز کرد؛ زیرا قلمرو فارس از همان اوان دوران اسلامی و حتی قبل از آن عشایر نشین بوده است. جغرافی‌دانان دوران اسلامی از قرن سوم تا ششم هجری قمری در کتب خود اطلاعات باارزشی از شناخت عشایر فارس به دست می‌دهند. (دومورینی، ۱۳۷۵: ۱) ایل قشقایی گروه‌هایی از جوامع عشایر و مرزنشینان کشورند که در گذشته تقریباً دور، به علت عوامل گوناگون از گوشه و کنار ایران نظیر آذربایجان، لرستان، کردستان و ... به منطقه‌ی فارس کوچیده و جامعه‌ی واحدی را تشکیل داده‌اند. (کیانی، ۱۳۸۸: ۲۲) شرایط زندگی این قبیله همیشه در کوچ راه، محیط طبیعی تعیین می‌کند. مردم ایل مقاوم و پرتحرک قشقایی، به اقتضای اوضاع جوی و جغرافیایی پیرامون خود زندگی می‌کنند. درست به سان جوامع اولیه بشری، در اعصار گذشته که گاه در سرزمین‌های مختلف به دامداری مشغول بوده‌اند و زندگی شبانی را با حیاتی ساده، اما خشن که زمامش به دست مردان جنگی بود، می‌گذرانده‌اند. گاه در سرزمینی دیگر در میان جلگه‌ها به کشاورزی اشتغال ورزیده و جوامع روستایی را به وجود آورده‌اند. قشقایی‌ها نیز چنین زندگی می‌کنند، خانه‌هایشان را خود می‌سازند، این خانه‌ها بسیار ساده و ابتدایی، جالب و کم‌خرج، متناسب با زندگی شبانی و کوچ دائم است. (کیانی، ۱۳۸۸: ۱۹) با وجود آنکه زندگی کوچ‌نشینی در این سرزمین سابقه‌ای بسیار کهن دارد و کوچ‌نشینی، همواره نقش مهم و ارزنده‌ای در تاریخ سیاسی- اجتماعی ایفا نموده‌اند آنگونه که باید و شاید مورد بررسی قرار نگرفته‌اند. (شربتیان، ۱۳۹۵: ۹) زیرا شدن به وسیله رنگ یکی از هنرهای است که بشر اولیه تجربه کرده است و هم اکنون نیز در میان قبایل وحشی آفریقایی و یا بومیان استرالیایی رواج دارد. یک مرد بومی استرالیایی همیشه در جشنها سرتا پای خود را رنگ می‌کند و برای او رنگین کردن بدن نوعی پوشش یا لباس است (غیبی، ۱۳۹۶: ۲۳) پوشش یک نظام نشانه‌ای است که از خلال نسبتی که با مقوله‌هایی نظیر مردانگی و زنانگی، طبقه، منزلت، نقش اجتماعی، ارزشها یا ضد ارزشها و به طور کلی با ساختارهای اجتماعی که دارد، درک می‌شود. (مریدی و رهگذر، ۱۳۹۵: ۹۵) بنابراین انسان اولیه اول بار بدن خود را به لحاظ زیبایی شناختی و نمود هنر از طریق رنگ پوشاند و پس از آن بود که لباس به وجود آمد جزئی از فرهنگ و هویت بشر گشت. به طور کلی بررسی تاریخچه پوشاک، جدا از بررسی تمدن و تاریخ اجتماعی و اعتقادی بشر، امکان پذیر نیست. (غیبی، ۱۳۹۶: ۱۷)

به عبارت دیگر مطالعه تاریخچه پوشاک صرف نظر از ابعاد زیبایی شناختی و مد، خارج از روش‌های علوم اجتماعی به ویژه مردم‌شناسی قابل بررسی نمی‌باشد. با مطالعه سیر تحول انسان از غارنشینی تا تمدن می‌توان این سیر تغییر و تحول را در پوشاک نیز تعمیم داد. پوشش را که رابطه‌ای مستقیم با رشد شناخت بشری دارد، می‌توان یکی از نقاط عطف تمایز انسان از حیوان در ادوار بسیار دور برشمرد که به تدریج وارد فرهنگ و تمدن انسان گشت و امروزه می‌تواند یکی از مؤلفه‌های مهم مطالعات فرهنگی و مردم‌شناسی باشد. (غیبی، ۱۳۹۶: ۱۹) بشر از همان آغاز تشکیل اجتماع به واسطه‌ی قدرت تفکر و تعقل موفق شد از پوست حیوانات برای خود تن پوش بسازد و احتمالاً هنگام پرداختن به کشاورزی و گل‌داری بود که توانست از لیاف گیاهی برای بافتن پارچه و یا بافته‌های حاصل از پشم گوسفند برای تن پوش خود استفاده کرده و توانایی تهیه‌ی پوشاک از پوست حیوانات و کم‌کم زمینه پوشیدن لباس پوستی را فراهم سازد. (وان لون، ۱۳۳۴: ۱۴) اما با پدید آمدن اجتماعات بشری، پوشاک نقش حفاظتی داشته و برای مصون نگه داشتن بدن انسان در برابر عوامل محیطی و اقلیمی به کار رفته است. (متین، ۱۳۸۳: ۲۹) مردم‌شناسی به عنوان یک علم به جستجوی روابط متقابلی می‌پردازد که بین انسان و محیط، انسان و فرهنگ و سرانجام فرهنگ‌های مختلف می‌پردازد. (روح‌الله امینی، ۱۳۸۳: ۳۸) مطالعه و تحقیق درباره‌ی پوشش از آغاز تا امروز مستلزم بررسی چگونگی متحول شدن بشر و محیط زندگی می‌باشد. پوشاک و زیورآلات از جمله عناصر فرهنگی هستند که معرف ذوق، سلیقه و غنای فرهنگی هر قوم می‌باشند. پوشاک هر قوم و ملتی، در اصل نشان‌دهنده شخصیت و هویت فرهنگی آن قوم و ملت و نشانه‌ای از پای بندی و اعتقاد آنان به آداب و رسوم می‌باشد. شرایط جغرافیایی و اقلیمی هر منطقه بر بلندی یا کوتاهی، تیرگی یا روشنی، ضخامت و نازکی پوشاک را سبب می‌شود. (کاظمی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۱۷-۹۰) بنابراین تنوع پوشاک در اقوام و طوایف مختلف ایران، نشانی از فرهنگی غنی و بینشی متفاوت دارد که بررسی هر کدام دریچه‌ای نوین به فرهنگ و تمدنی اصیل است. قرن‌هاست با تغییر تمدن و پیشرفت زندگی شهری و پیدایش انواع لباس با مد‌های مختلف، زنان و مردان عشایر به ویژه عشایر قشقایی استان فارس همچنان به لباس اصیل خود پایبند هستند و جز در حالات استثنایی و شهرنشینی، حاضر نیستند این پوشش خود را از دست بدهند. تغییراتی که در طی سالها در نوع لباس زنان و مردان عشایر پدیدار گشته بسیار مختصر بوده و در جهت تکامل و زیباتر شدن آن می‌باشد. (کیانی، ۱۳۸۸: ۱۲۳) لباس عشایر با فرهنگ و هویت او عجین است. از این رو پایداری لباس عشایر به ویژه عشایر قشقایی و نفوذ آن به دیگر ایل‌ها مانند بختیاری و افشاری ریشه‌ای عمیق دارد که به لحاظ مردم‌شناختی

قابل مطالعه و بررسی می باشد. تغییرات مداوم پوشاک سنتی هر منطقه طی ادوار مختلف تاریخی، می تواند دلایل عمده ای اعم از سیاست های فرهنگی و اجتماعی حکومت ها، مبادلات اجتماعی و تجاری با مناطق دیگر، تغییر در آداب و رسوم و شیوه های زندگی آن منطقه داشته باشد. (چایلد، ۱۳۵۲: ۲۹)

روش لازمه دانش است و هیچ دانشی بدون روش قابل تصور نیست، اعتبار دستاوردهای هر دانش نیز به روش یا روشهایی وابسته است که در آن مورد استفاده قرار گرفته است. در عرف دانش، روش را مجموعه شیوه ها و تدابیری دانستند که برای شناخت حقیقت و برکناری از لغزش به کار برده می شود. (ساروخانی ۱۳۹۳: ۲۴) روش شناسی علوم مختلف متفاوت است. در مردم شناسی نظریه ها در واقع عرضه کردن و استفاده از روش و روش هایی است که به آسانی و با دقت و بطور همه جانبه بتواند در شناخت زندگی اجتماعی و فرهنگی انسان و سیر تطوری و تکاملی فرهنگ و تمدن جوامع راهنما باشد. (روح الامینی ۱۳۹۴: ۸۳) بنا بر این نظریه و انتخاب چارچوب، مناسبترین روش تحقیق در علم مردم شناسی محسوب می شود. پژوهش حاضر در چارچوب نظریه ساختار کارکردگرایی راد کلیف براون با رویکرد مردم شناختی به بررسی الگوهای پوشاک در عشایر قشقایی فیروز آباد استان فارس می پردازد.

۲- پیشینه پژوهش

ظریفان صالح مکرّم (۱۳۸۹) در تحقیقی به بررسی سیر تحول پوشاک از دوره قاجار تا دوره پهلوی پرداخته است. خوش خلق (۱۳۷۴) در طرحی پژوهشی به بررسی پوشاک مردم استان یزد پرداخته اند. تاریخ تحول لباس در ایران از آغاز تا اسلام (۱۳۴۶) توسط میرمحمد مشیرپور به بررسی تغییرات کیفی لباس ایرانیان در دوره های تاریخی پیش از اسلام تا ورود اسلام به سرزمین ایران می پردازد. تاریخچه پوشش سر در ایران از کتاب های جامع و ارزنده ای است که توسط سهیلا شهشهانی (۱۳۷۲) به رشته تحریر در آمده است. به طور کلی پژوهش های انجام شده در زمینه پوشاک ایرانی را به دو دسته می توان تقسیم کرد. گروه اول شامل فرهنگ نامه ها و لغت نامه های تخصصی می باشد، مانند فرهنگ البسه مسلمانان اثر پیتر اندزی و واژه نامه پارچه و لباس اثر فریده طالب پور و گروه دوم به مطالعات تاریخ نگاری اختصاص یافته است، مانند پوشاک ایرانیان از سری مطالعات از ایران چه می دانیم اثر پیمان متین، هشت هزار سال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی اثر مهرآسا غیبی. (نقوی و مراثی، ۱۳۹۳: ۳)

۳- روش تحقیق

پژوهش حاضر در چارچوب نظریه ساختار کارکردی راد کلیف براون به روش توصیفی به تحلیل مردم شناختی پوشاک در عشایر قشقایی فیروز آباد استان فارس پرداخته است. روش گردآوری اطلاعات از طریق مشاهده مستقیم و مصاحبه با ۱۸ نفر از عشایر کوچنده ساکن در مجاورت روستای خوراب در ده کیلومتری بخش دهرم از توابع فیروز آباد استان فارس با میانگین سنی ۲۵ تا ۹۵ سال می باشد. سپس از طریق مطالعات نظری و کتابخانه ای با انتخاب نظریه ساختار- کارکردی راد کلیف براون به توصیف و تحلیل داده ها پرداخته شده است.

۴- موقعیت جغرافیایی جامعه مورد مطالعه

عمده عشایر استان فارس را قشقایهای ترک زبان تشکیل می دهند که بیلاقشان در خسرو شیرین صغاد از توابع اقلید و آواده است؛ اما تمرکز این پژوهش با توجه به محدوده ی زمانی پژوهش بر مقر قشلاقی ایشان که در دامنه های کوه های اطراف خوراب دهرم از توابع شهرستان فرابند استان فارس است و نیمی دیگر از عشایر قشقایی در قشلاقات فیروزآباد سکنی می گزینند. شهرستان فیروز آباد در جنوب غربی استان فارس و ۹۵ کیلومتری جنوب شیراز قرار دارد. این شهرستان از شمال به شهرستان کوار و شهرستان شیراز، از جنوب به شهرستان قیرو کارزین، از شرق به شهرستان جهرم و از غرب به شهرستانهای فرابند و کازرون منتهی می شود. ارتفاع فیروز آباد از سطح دریا ۱۶۰۰ متر و ارتفاعات عمده ی آن کوه پادنا (مقر قشلاقات عشایر قشقایی) بوده که از جهت شمال غربی به جنوب شرقی کشیده شده است. وجود این ارتفاعات باعث شده این منطقه از آب و هوای معتدل برخوردار باشد. مرتع بر خلاف چراگاه های دنیای امروز به زمین هایی در دشت ها یا کوهپایه ها و کوهستان ها گفته می شود که گیاهان علفی، بوته ای یا درختی به طور طبیعی و خودرو در آن رشد می کنند و مردم آنجا سابقه چرای قبیله دارند. (کیانی ۱۳۸۸: ۱۳) از آنجا که مرتع وطن دوم عشایر چادرنشین و مرکز امرار معاش و منبع درآمد آنهاست، باید شرایط آب و هوایی مخصوص بیلاق یا قشلاق را از نظر رطوبت، دما، خاک و پوشش گیاهی داشته باشد (کیانی ۱۳۸۸: ۱۹-۲۰). عشایر قشقایی فیروزآباد نیز مانند دیگر کوچنده ها با در اولویت قرار دادن دام و خوراک دام، تغذیه و سلامت، مراتعی را انتخاب می کنند که از آن بهره کافی ببرند. پوشش گیاهی که به مصرف دام می رسد عبارتند از علوفه (جاشیر تلخ، چویل، چیچک) و پوشش گیاهی که به مصرف خوراکی و دارویی

عشایر قشقایی می‌رسند شامل پنیبرک (توله)، ترشک، بابونه، رشکک، چویل، پونه و غیره می‌باشد. گونه‌های جانوری در میان عشایر قشقایی به دو دسته وحشی و اهلی تقسیم می‌شود. حیوانات وحشی حیواناتی هستند که عموماً مورد شکار قرار می‌گیرند و بخشی از پوشاک عشایر را تأمین می‌کنند که شامل بز و میش کوهی و آهو می‌باشد. حیوانات اهلی عموماً احشام (الاغ، شتر و گاو) هستند که به کوچ، تهیه لبنیات و پوشاک کمک می‌کنند. سیاه‌چادرها، گلیم و جاجیم نیز از موی بز و پشم گوسفند بافته می‌شوند و سگ که امنیت ایل را تأمین می‌کند.



تصویر ۱- موقعیت جغرافیایی قشقایی‌های فیروزآباد

۵- موقعیت تاریخی جامعه مورد مطالعه

درباره منشأ ایل قشقایی نظرات متفاوت است. این ایل که از مهمترین گروه‌های کوچنده منطقه فارس محسوب می‌شود، مشتمل بر ۱۲ طایفه کَشکولی، دره شولی (دره شوری)، شش بلوکی، خلج، فارسی‌مدان، صفی‌خانی، رحیمی، گله زن، ایگرد، گهوا، کرائی و بیات می‌باشد. بعضی از صاحب‌نظران، قشقایی‌ها را از مغول‌هایی می‌دانند که در زمان سلطنت چنگیز خان از ترکستان مهاجرت کرده‌اند و در زمان نادر شاه در فارس سکنی گزیده‌اند. به احتمال قوی قشقاییها دنباله قبیله‌ای قدیمی در ترکیه آسیایی (شرق ترکیه) به نام قبیله خلج هستند که در عراق عجم در جنوب ساوه، سکونت داشته‌اند می‌باشند که بخشی از این ایل بزرگ به قسمتهای مختلف تقسیم و در منطقه فارس پخش شده‌اند. (دومورینی، ۱۳۷۵: ۲۶) تاریخچه طوایف جامعه مورد مطالعه این پژوهش از دو طایفه کَشکولی و شش بلوکی می‌باشد.

طایفه کَشکولی: افراد این طایفه از ثروتمندترین و قویترین افراد ایل می‌باشند. زنان جنگجو در میان آنان زیاد است و اغلب در کنار مردان خود به جنگ آوری می‌پردازند. بیشتر خان‌های ایل متعلق به طایفه کَشکولی هستند. صولت الدوله قشقایی (ایلخان ایل) متعلق به این طایفه می‌باشد. طایفه کَشکولی تابستان را در اردکان و ممسنی و زمستان را در مناطق دشتی، ماهور میلانی، جاوه و فیروزآباد استان فارس سپری می‌کنند.

طایفه شش بلوکی: شش بلوکی‌ها به کَشکولی‌ها بسیار شبیه هستند. آیین‌ها و آداب و رسوم آنها به هم شباهت دارند، لیکن اصل برابری اجتماعی در این طایفه بسیار مورد توجه است و به همین دلیل چادرهای خوانین و رؤسا تفاوتی با چادرهای ساده رعایا ندارد. شش بلوکی‌ها تابستان را در مناطق چهار دانگه و کوشکه زار و زمستان را در فراشبند، خنجی و افروز استان فارس می‌گذرانند. (دومورینی، ۱۳۷۵: ۳۱)



تصویر ۲- قلمرو مکانی عشایر قشقایی فیروزآباد از کتاب عشایر فارس تألیف ژ-دومورینی

۶- مؤلفه های پوشاک زنان عشایر قشقایی

زن آفریده پروردگار بلند مرتبه و یکی از مظاهر زیبایی خلقت است. میل زنان به تنوع و زیبایی باعث شده که پوشاک زنان از تنوع بیشتری نسبت به مردان برخوردار باشد. رنگ، نقش‌ها و طرح‌های متنوع گواه این مسئله است. لباس زن علاوه بر اینکه برای پوشش بدن از دید نامحرمان و محفوظ ماندن از سرما و گرما است، یکی از عناصر مکمل زیبایی زن بوده و به مراتب از نظر پیچیدگی بر پوشاک مردان برتری دارد و از جنبه‌های زیبایی‌شناسانه و آراستگی برخوردار است. تنوع رنگ‌ها، کیفیت جنس‌ها، زیورآلات و آویزها، منجوق کاری‌ها، مهره‌ها و سایر تزئینات لباس زنان که آذین بند پوشاک زنان ایلامی است. در واقع معرف شخصیت، منزلت و جایگاه زن و حتی نشانگر سن و تا حدودی هویت قومی او می‌باشد. پوشاک زنان عشایر قشقایی شامل مؤلفه‌هایی چون چارقد، کلاهچه، دستمال، پیراهن، دامن، آرخالق، سرانداز و پا افزار است و پوشاک مردان عشایر قشقایی را کلاه، آرخالق، چقه، شلوار، شال، زیرپوش و پا افزار تشکیل می‌دهد. پوشش کامل لباس در میان زنان و مردان عشایر نشان از ساختار فرهنگی محدود و هویتی منحصر به فرد دارد. زندگی پر جنب و جوش ناشی از تحرک روزانه فیزیکی و کوچ دائم، خاص مردان و زنان عشایر قشقایی است از این رو انتخاب نوع پارچه و چگونگی دوخت آن به منظور ایجاد عدم محدودیت در این سبک از زندگی در کارکرد پوشاک آنها تعیین کننده است. (فکوهی، ۱۳۹۵: ۱۷۲) پوشاک عشایر و کارکرد آن نشان دهنده ساختار اجتماعی و فرهنگی این قوم است؛ بنابراین ساختار و کارکرد در تحلیل‌های مردم‌شناختی نمی‌توانند جدا از یکدیگر باشند. رابطه کارکرد پوشاک عشایر قشقایی، سبک و ساختار اجتماعی آنها مصداق بارزی از جدا ناپذیری ساختار و کارکرد است.

چارقد یا روسری: از پارچه ای سبک و نازک تهیه میشود و برای پوشش و محافظت موها، گوشها و سر و گردن استفاده می‌شود. چارقد به صورت سه گوش با سنجاقی به زیر گلو وصل می‌شود.

کلاهچه: که در زیر چارقد قرار می‌گیرد و معمولاً دیده نمی‌شود و با نخ ابریشمی در زیر گلو بسته می‌شود. معمولاً دختران جوان و مجرد از کلاهچه استفاده نمی‌کنند.

دستمال یا اشارپ: برای جلوگیری از جابجا شدن چارقد از طریق سنجاقی روی آن بسته می‌شود و از پشت گره می‌خورد. مرغوب‌ترین آن از جنس ابریشم است و در اسکوی تبریز تولید می‌شود که با آن قلاغه یا قلاغی نیز می‌گویند.



تصویر شماره ۳. چارقد و دستمال قلاغی و کلاهچه زن قشقایی، عکاس: پژوهشگر، بهار ۹۸

پیراهن: پیراهن زنان دارای آستین‌های بلند و یقه‌های کاملاً بسته هستند تا ساق پا را می‌پوشانند و برای راحتی و تحرک آسان دارای دو چاک باز می‌باشند.

شلیته یا دامن یا زیر جامه: شلیته، متنوع، پر چین و بعضاً لایه لایه می‌باشد. تا قوزک پا می‌رسد و از پارچه‌هایی با ضخامت و قیمت‌های متنوع تهیه می‌شود. شلیته در زیر پیراهن قرار می‌گیرد و جهت راحتی بیشتر با بندی به کمر بسته می‌شود.

آرخالق: در دوره زندگی به آن قبا می‌گفتند پوششی است که برای حفاظت از سرما از نوعی پارچه ضخیم و گرانبها مثل مخمل با آستری ساده دوخته می‌شود. آرخالق کوتاه است و تا کمر میرسد.

سر انداز (چادر): پوششی است که نو عروسان و همچنین زنان مسن هنگام ادای نماز از آن استفاده می‌کنند.

پا افزار: زنان عشایر در گذشته با مردان تفاوتی نداشته است و هر دو از ملکی (گیوه) استفاده می‌کردند که به دلیل طبیعی بودن و استفاده از پارچه در کف آن، مردان و زنان عشایر از جوراب استفاده نمی‌کردند؛ اما امروزه کفشهای صنعتی جایگزین گیوه

شده است. پوشش زنان قشقایی از زمان زنده تا به امروز تغییراتی را به خود دیده است. به طور مثال برقع یا قبا از لباس زنان عشایر امروزی حذف شده است و همچنین لباس های دست دوز به لباس هایی با دوخت ماشینی تبدیل شده است.



تصویر شماره ۵- پیراهن زن قشقایی،
عکاس پژوهشگر، بهار ۹۸



تصویر شماره ۴-دامن زن قشقایی، عکاس پژوهشگر،
بهار ۹۸

۷- زیور آلات

زنان قشقایی به دلیل ساده زیستی عموماً از زیور آلات مصنوعی استفاده نمی کنند؛ اما بعضی اوقات جهت مصارف دارویی در کنار کاربرد های زینتی از مواد طبیعی بهره می برند که برخی از آنها شامل موارد زیر می باشد:

گردنبند: میخک و ملهوک از گیاهان دارویی می باشند به عنوان گردنبند مورد استفاده قرار می گیرند. زنان میانسال عشایر آن را خشک می کنند و به صورت گردنبندی همچون سرخپوستان به گردن می آویزند که تا جناغ سینه می رسد. این گردنبند در عین اینکه ابزاری زینتی است، در رفع تنگی نفس مفید و مؤثر است. علفه نیز از دیگر گیاهان خوش بوست که عطری ماندگار دارد، زنان ایل مقداری از آن را در قوطی های چهار گوش کوچکی به نام عنبر دان می ریزند و به گردن می آویزند. یکی دیگر از گردنبند های زنانه ایل، قاب قرآن است که در آن آیه ای از کلام الله نگهداری می شود.

گوشواره: گوشواره یکی از دیگر پوششهای زینتی است که شکل مثلثی آن نماد الهه نگهبان مادر و کودک است و شکل پیچ در پیچ و حلزونی آن نمادی از رمز کائنات است و عموماً جنس آنها طلا، نقره و برنز است.

سنجاق: سنجاق یکی از ابزارهای زینتی زنان عشایر است که به وسیله آن چارقد را در زیر گلو محکم می کنند و در آن سنگهایی به رنگ فیروزه ای به منظور چشم زخم استفاده می شود.

النگو و دستبند: زنان ایل به ویژه نوعروسان از النگوهای نقره یا طلا استفاده می کنند که بعضاً با سنگهای عقیق و کهربا تزئین شده اند و به هنگام رقص صدای گوش نوازی از آن به گوش می رسد. همچنین در میان زنان عشایر حنا جایگاه خاصی دارد چرا که هم جنبه دارویی و هم زینتی دارد و از آن برای رنگ آمیزی موها، ناخن ها و دستها و پاها استفاده می شود. سرمه نیز از لوازم آرایشی کاربردی زنان عشایر است که به سو و دید چشم بسیار کمک می کند. خالکوبی که امروزه تئو خوانده می شود در میان زنان عشایر رایج بوده و از نقش های قالی، گلیم و جاجیم استفاده می کردند و این نقش ها را بر روی دستها و بدن خود طراحی می کردند و معتقد بودند که جنبه نمادین و درمانی دارد. در میان عشایر به دلیل استفاده بسیار از دستها برای انجام کارها از انگشتر عموماً استفاده نمی شود.

۸- مؤلفه های پوشاک مردان عشایر قشقایی

کلاه: کلاه قشقایی ها که با آن دو گوشی نیز می گویند بلند بوده، به شکل تاج است و تا بالای گوش را می پوشاند، معمولاً به رنگ نخودی و یا خاکستری است، از جنس نمد و از پشم شتر درست می شود. لبه و تای کلاه مردان قشقایی در رزم و بزم با هم متفاوت می باشد.



تصویر شماره ۶- کلاه قشقایی، عکاس پژوهشگر، بهار ۹۸.

آرخالق: از بالاپوشهای مردان عشایر است که در زمان قاجاریه به آن قبا می گفتند. آرخالق روپوشی است که در رنگهای مختلف توسط مردان عشایر در زمان بزم استفاده می شود.

چقه: از بالاپوشهای مردان عشایر می باشد که در زمان قاجاریه به آن عبا می گفتند. چقه معمولا به رنگ خاکی بوده و در زمان رزم و به منظور استتار استفاده می شده است. چقه را با نخ از جنس پشم که گمپل هایی با رنگهای مختلف به آن آویخته شده است از پشت می بندند؛ و در عروسی ها به هنگام چوب بازی برای نشان دادن هیبت مردانه از آن استفاده می شود. شلوار: جنس شلوار در گذشته دبیت بوده است. شلوار مردان قشقایی گشاد نیست و برای آزادی عمل و تحرک بیشتر دم پای آن با شالی به نام دولاق یا پایچ که معمولا از پشم شتر درست می شود و نخودی رنگ است از قوزک پا تا بالای ساق پیچیده می شود.

شال: برای محکم کردن آرخالق به دور کمر بسته می شود.

زیر پوش: برای پوشاندن ناحیه گردن تا جناغ در زیر آرخالق از آن استفاده می شود.

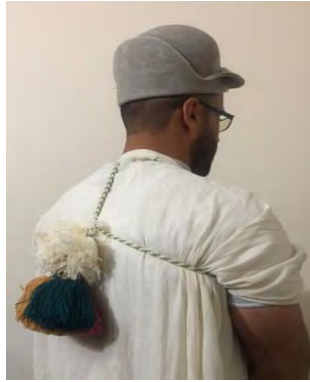
پا افزار: در گذشته ملکی (گیوه) بوده و بیشتر در منطقه آباده و قلات دوخته می شد. به دلیل پارچه ای بودن کف آن عشایر قشقایی از جوراب استفاده نمی کردند. امروزه کفش های صنعتی جایگزین ملکی شده است.



تصویر شماره ۸. کلاه، شال و آرخالق، عکاس پژوهشگر، بهار ۹۸



تصویر شماره ۷. چقه و کلاه رزم، آرخالق و کلاه بزم، عکاس پژوهشگر، بهار ۹۸.



تصویر شماره ۹. چقه و گمپل کلاه، عکاس پژوهشگر، بهار ۹۸

۹-رنگها، اعتقادات و باورها در پوشاک عشایر قشقایی

رنگ در پوشاک قشقاییهای فیروزآباد علاوه بر اینکه پارامترهای سن و شرایط عمومی مثل مجالس عزا، عروسی، جشنها و مهمانیهای خاص در آن مؤثر است در بر گیرنده برخی از اعتقادات و باورها که شاخص های مهم فرهنگی هستند نیز می باشد. در مردان قشقایی رنگ لباس اهمیت چندانی برایشان ندارد و مردانه و سنگین بودن لباس برایشان مهم تر است. در میان زنان قشقایی بسته به سن، رنگها تغییر می کند. در بین دختران ۱۵-۳۰ سال از لباسهای شاد و رنگی استفاده می شود؛ و به مرور رنگ لباس تیره تر می گردد به طوری که در زمان سالمندی حتی گل سفید هم در لباسها دیده نمی شود و اگر به عنوان هدیه هم لباسی را برای یک سالمند می برند گل سفید ندارد؛ و اگر این هدیه گل سفید داشته باشد هدیه را می پذیرند ولی آن را نمی پوشند. لباس عروس همان طرح لباس زنان قشقایی است ولی رنگ آن سفید است. لباس داماد نیز همان لباس مردان و به رنگ روشن است. در مردان قشقایی رنگ لباس معمولاً ثابت است مثلاً کلاه مردان غیر از نخودی و خاکستری نیست و یا پارچه چهار گوشه (بیرق) که روی سر عروس می اندازند تا رویش را بپوشانند همیشه به رنگ قرمز با گوشه های فیروزه ای است. رنگ سرخ در قشقاییها نماد الهه آسمان (خورشید) است که گویا به اعتقادات شمنیسم بر می گردد و قشقاییها رسومات آن را تا امروز نگه داشته اند. رنگ سبز امروزه و در واقع پس از ورود اسلام و به دلایل مذهبی مورد استفاده قرار می گیرد معمولاً بچه هایی را که نذر می کردند از بلایا به دور باشند را با شال سبز به کمرش می بستند یا مهره سبزی به گردنبدش آویزان می کردند. رنگ سفید نشانه ی خدای زندگانی و خدای روی زمین است. در اعتقادات قشقایی لباسهای رنگین مخصوص نوعروسان است حتی دختران جوان حق انتخاب رنگ را ندارند. اگر دختری بیوه شود تا آخر عمر لباس سیاه می پوشد. تقدس لباس زنان در ایل به اندازه ای است که گاهی به عنوان پرچم صلح از آن استفاده می گردد. اگر جنگی عشیره ای راه بیفتد و شیر زنی عشایر به میانجیگری بپردازد و چارقده از سر برداشته و بالا گیرد، مردان به احترام عصمت آن زن و تقدس لباس او جنگ را خاتمه می دهند. رنگ در پوشاک مردان و زنان قشقایی تنها مؤلفه متفاوت است چرا که پوشش، عدم برجستگی، راحتی و نوع دوخت در هر دو مشابه است. رنگ در پوشاک مردان به دلیل فعالیتهای روزمره و رزم های احتمالی می بایست هماهنگ با رنگ خاک باشد؛ بنابراین تنوع رنگ در پوشاک مردان جایگاهی ندارد. چرا که از طیف معدودی که تنها به رنگ نخودی و خاکستری محدود می شود، تشکیل شده است. رنگ در پوشاک زنان با توجه به مؤلفه های اجتماعی همچون سن و جنس از تنوع بیشتری برخوردار است. کودکان و دختران نوجوان قشقایی از رنگهای شاد استفاده می کنند. نوعروسان از رنگهای متنوع تری در پوشش استفاده می کنند. هر چقدر از میانسالی به سمت سالمندی پیش می رویم لباس ها تیره تر می شود به طوری که در سالمندان رنگ مشکی و سورمه ای غالب است به طوری که اثری از رنگ سفید در آن دیده نمی شود. لباس عروس با حفظ طراحی لباس عشایر به رنگ سفید است. اگر زنی بیوه شود تا آخر عمر لباس سیاه بر تن دارد. با توجه به بحث فوق، مؤلفه های اجتماعی همچون سن و جنس و همچنین مؤلفه های فرهنگی مانند مناسبت های متفاوت در کارکرد رنگ در پوشاک قشقایی ها مؤثر هستند و این نوع کارکرد به یک ساختار منظم اجتماعی تبدیل شده است.



تصویر شماره ۱۰-۱۱. رنگ لباس کودک قشقایی، عکاس پژوهشگر، بهار ۹۸.

نتیجه گیری

با توجه به یافته های تحقیق می توان به این نتیجه رسید که پوشاک عشایر قشقایی کارکردی نمادین، اعتقادی، فرهنگی، اجتماعی و هویتی دارد آنچنان که قوم را به ساختاری پایدار تبدیل کرده است که در طی سالیان، فرم و کارکرد اجتماعی حتی با وجود محدود شدن تعداد عشایر کوچنده در میان آنها باقی مانده است و از اصالتی خاص همواره برخوردار است. یکی از مؤلفه های اساسی در فرهنگ هر قوم اعتقادات و باورهای آن قوم می باشد. پوشاک زنان و مردان عشایر قشقایی تبدیل به نمادهای فرهنگی شده است آنچنانکه آنها را از دیگر اقوام متمایز کرده است. قشقاییها به رنگ سرخ که نماد الهه آسمان یعنی خورشید است معتقد هستند آنچنانکه رنگ سرخ در پوشاک و دست بافت هایشان نمادی ثابت است. رنگ سفید در باور قشقاییها نشانه خدای زندگانی و خدای روی زمین است به همین دلیل در پوشاک سالمندان از رنگ سفید استفاده نمی شود و با افزایش سن، لباسها تیره و تیره تر می شوند. امروزه رنگ سبز در اصل در عشایر نماد مذهبی دارد که پس از ورود اسلام به ایران به ایل قشقایی اشاعه یافته است. بنابر این در لباسهای روزمره یافت نمی شود و صرفا در مراسم مذهبی و نذورات تنها به صورت شال و یا گردنبند استفاده می شود. رنگ در باور و اعتقاد ایل قشقایی کارکردی نمادین دارد و نشان از ساختاری متفاوت از دیگر اجتماعات ایرانی است. پوشاک و دست بافت ها در عشایر از تقدس خاصی برخوردارند چرا که معتقدند تار و پود و اجزاء تشکیل دهنده پوشاک و دست بافت ها بر گرفته از مادر طبیعت است بنابراین اگر شیر زنی قشقایی به میانجیگری در درگیری های عشیره ای چارقد از سر بردارد و بالا بگیرد بسان آن است که قرآن بر دست گرفته است و به احترام عصمت زنان عشایر، مردان از جنگ باز می ایستند؛ به عبارت دیگر چارقد زنان پرچم صلح است. پوشش، عصمت و تعصب کارکردی فرهنگی در ایل قشقایی دارد آنچنانکه آنها را به ساختاری پایدار تبدیل کرده است و سالیان سال است که نوع پوشش، سبک زندگی، زبان و فرهنگ آنها نسبتا دست نخورده باقی مانده است.

منابع

- ۱- چایلد، گوردن (۱۳۵۲) انسان خود را می سازد، مترجمین: احمد کریمی حکاک- محمد هل اتائی، تهران.
- ۲- دومورینی، ژ (۱۳۷۵) عشایر فارس، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ۳- روح الامینی، محمود (۱۳۹۴) زمینه فرهنگ شناسی، تهران، انتشارات عطار.
- ۴- روح الامینی، محمود (۱۳۸۳) گرد شهر با چراغ، تهران، انتشارات عطار.
- ۵- ساروخانی، باقر (۱۳۹۳) روشهای تحقیق در علوم اجتماعی، تهران، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۶- شریفتیان، یعقوب (۱۳۹۵) مردم شناسی ایلات و عشایر ایران، تهران، نشر ندای آریا.
- ۷- غیبی، مهرآسا (۱۳۹۶) هشت هزار سال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، تهران، نشرهیرمند.
- ۸- فکوهی، ناصر (۱۳۹۵) تاریخ اندیشه ها و نظریه های انسان شناسی، تهران، نشر نی.
- ۹- کیانی، منوچهر (۱۳۸۸) سیه چادرها، ۱۳۸۸، شیراز، کیان نشر.
- ۱۰- کاظمی، هلن- رشیدوش، وحید (۱۳۹۸) تحلیل مردم شناختی پوشاک در استان ایلام- مطالعه موردی تیره مرشدوند از ایل خزل، فصلنامه علمی فرهنگ ایلام، شماره ۶۲ و ۶۳، ۱۱۷-۹۱.
- ۱۱- مریدی، محمد رضا- رهگذر، فاتزه (۱۳۹۵) تحولات زیبا شناختی مد لباس در ایران پس از انقلاب اسلامی، مجله مبانی نظری هنر های تجسمی، شماره ۲، ۹۵-۱۰۷.
- ۱۲- متین، پیمان (۱۳۸۳)، پوشاک و هویت قومی و ملی، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۱۹، سال پنجم، شماره سوم، ۳۷-۴۸.

۱۳- نقوی، منیره سادات - مراثی، محسن (۱۳۹۱)، مطالعه تطبیقی کلاه مردان در سفرنامه ها و نگاره های دوران صفوی با تاکید بر دیوار نگارهای کاخ چهلستون اصفهان، نشریه مطالعات تطبیقی هنر دو فصلنامه علمی - پژوهشی، سال دوم، شماره سوم، ۱۷-۱.

۱۴- وان لون، هاندریک (۱۳۳۴) تاریخ بشر، مترجم: علی اکبر بامداد، تهران، انتشارات امیرکبیر.

پرسشنامه

فهرست مصاحبه شوندهگان				
ردیف	نام و نام خانوادگی	جنسیت	سن	توضیحات
۱.	عوض الله صفری کشکولی	مرد	۵۰ ساله	
۲.	اسدالله مردانی رحیمی	مرد	۷۶ ساله	
۳.	اسماعیل موسی لو	مرد	۴۰ ساله	
۴.	ابراهیم فاضلی فرد	مرد	۵۰ ساله	
۵.	اکبر فاضلی	مرد	۴۲ ساله	
۶.	علمدار فاضلی	مرد	۴۱ ساله	
۷.	سپهدار فاضلی	مرد	۲۸ ساله	
۸.	قمرتاج فاضلی فرد	زن	۸۷ ساله	
۹.	افسانه فاضلی	زن	۲۵ ساله	
۱۰.	سمیه حقیقت	زن	۳۵ ساله	
۱۱.	ندا حقیقت	زن	۳۰ ساله	
۱۲.	راضیه حقیقت	زن	۳۱ ساله	
۱۳.	زرافشان فاضلی فرد	زن	۳۴ ساله	
۱۴.	گل افشان فاضلی فرد	زن	۳۷ ساله	
۱۵.	لشکر فاضلی	مرد	۸۸ ساله	
۱۶.	حسین فاضلی فرد	مرد	۵۲ ساله	
۱۷.	محمد کریمی قشقایی	مرد	۲۶ ساله	
۱۸.	زهرا فاضلی فرد	زن	۸۰ ساله	

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی